

از اینجا بحثمان را شروع کنیم که در نقطه‌ای قرار داریم که پدیده‌ای به نام شبکه نمایش خانگی به شدت توسط چند جبهه تلویزیون، سینما، شورای عالی مجازی و... سهم خواهی می‌شود. اینجا همان جایی است که قبلا متولی نداشت و فیلم‌های شانه تخم مرغی در آن عرضه می‌شد؛ دقیقا چه چیز این قدر مورد توجه است که باعث ایجاد چالش بین چند نهاد شده است؟

مجید مولایی: تشکیل پلتفرم‌ها از جایی شروع شد که توزیع و پخش دی وی دی و وی اچ اس و تفلیکس هم کارشان از همان جا شروع شد. در ایران هم به همین شکل تشکیلاتی شکل گرفت بعد هم خیلی به نفع سینما شد چرا که فیلم‌ها علاوه بر اکران یک حق رایتی دریافت می‌کردند که عدد خوبی هم بود و تهیه‌کننده‌ها برایشان ایده‌آل می‌شد. بعد به این نتیجه رسیدند که چرا پول را به تهیه‌کننده‌ها بدهیم بیاییم خودمان تولید کنیم و شروع کردند به هزینه‌های کمتر و فیلم‌های اصطلاحا شانه تخم مرغی تولید کردند. چون خیلی در کار تولید وارد نبودند آثار، آثار در خوری به حساب نمی‌آمد تا اینکه کم‌کم این پلتفرم‌ها شکل گرفتند. آرام آرام بازار جدیدی شکل گرفت که یک رقم قابل توجه در آن جابه‌جایی شد و برای تهیه‌کننده‌ها انگیزه ایجاد می‌کرد چرا که اشتراک و هزینه‌ای برای حجم اینترنت تعریف کردند و درآمد خوبی به وجود آمد و عرضه و تقاضا باعث شد که پول در گردش خوبی میان باشد و در نتیجه هر جایی که این موارد باشد افراد علاقه‌مند می‌شوند برای منافع خودشان گامی بردارند و وسط بیایند. در جهان این مسیر طی شده در ایران هم استثنا نبود و به نظر می‌رسد که چرخه خوب پیش می‌رود و تا آنجایی که من شنیدم یکی از این پلتفرم‌ها رقمی که برای تولیدات سال ۱۴۰۰ خود گذاشته نزدیک به رقمی است که سازمان صداوسیما برای تولیداتش پیش‌بینی کرده و برای همین است که اوضاع جدی می‌شود و جاهای دیگر وسط می‌آیند.

حامد عنقا: نکته‌های آقای مولایی در سست است اما مواردی را باید اضافه کرد و این که در همه جای دنیا نیازی برای پاسخ دادن به تقاضا در بازار بوده است که در مبحث تلویزیون‌های اینترنتی و کابلی، تقریبا پروسه اش همین روند بوده که اشاره شد اما در کشور ما این

سیر چالش‌های دیگری داشته چون ما اینجا لاجرم‌ها و ناگزیرهایمان متفاوت بوده است. ما همیشه در ابتدا در یک موضع مخالفت و مقاومت قرار داریم و بعد که دیگر هیچ راهی نماند و به بن‌بست یا چالش‌های خاص خوردیم و زمان از دست رفت، می‌آییم و برای موضوعی که از دستمان در رفته مثلاً راه حل پیدا می‌کنیم. روزی که موسسه رسانه‌های تصویری به راه افتاد تقریبا همه به یاد داریم، این فکر و این ایده برای این نبود که بیاییم بستر اقتصادی برای سینما درست کنیم یا ویدیو کلپ‌های اول انقلاب را احیا کنیم بلکه ماجرا به این برمی‌گشت که در کشور ما دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای آمد و با پدیده‌ای مواجه شدیم که قبلا وجود نداشت. برای مادر آن زمان تلویزیون تنها یک سری تک برنامه در نظر گرفته بود که اصطلاحا به آن برنامه‌های تأمین می‌گفتند و نمونه‌اش هم دیدنی‌ها بود که شاخص شده بود. وقتی ماهواره آمد و حتی قبل از پیدایش شبکه‌های فارسی زبان همزمان با وقتی که آقای لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد بود قانون منع استفاده و خرید و فروش آلات ماهواره تعیین شد و نیروی انتظامی به عنوان ضابط آن را اجرا می‌کرد. این قانون اول در ارشاد مطرح و سپس بنظر مجلس پنجم آن را تصویب کرد. پروسه این بود که اول وجود دیش‌ها و ماهواره رانفی کردند و بعد که وزارت فرهنگ و ارشاد با گسترده‌گی و رونق گرفتن شغل نصاب‌ها مواجه شد دنبال راه حل گشت و در نتیجه تلویزیون پر شد از میان برنامه‌ها و شوهایی که با سانسورهای لازم آن را پخش می‌کرد. وزارت ارشاد هم برای رفع نقیصه دیگر موسسه رسانه‌های تصویری را راه انداخت و خیلی از فیلم‌های خارجی را دوبله و به این واسطه صنعت دوبله را مجددا احیا کرد؛ همان زمانی که اگر خاطرتان باشد دوباره در هر محله‌ای ویدیو کلپ‌ها شروع به کار کردند. مخاطب آثار را با دستگاه ویدیو تماشا می‌کرد همان دستگاهی که ۷ سال قبل تر داشتند هم جرم بود. و همین ماجرای ماهواره به نوعی دیگر پیش آمده بود در دهه‌ی شصت ولی مثل باقی چیزها لزوما تجربه نشده بود. بعد فهمیدند چه اشکالی دارد که فیلم‌ها را با یک فاصله‌ای بعد از اکران سینما در خانه ببینیم و در نتیجه رایت هوم ویدیو به وجود آمد. قبل تر فقط پول رایت تلویزیون و قطار و هواپیما و فیلمخانه جمع‌بندی و حق رایتی در مجموع به تهیه‌کننده داده می‌شد که



بعد از «قلب یخی» بنده تا مدت‌ها امکان فعالیت در تلویزیون را نداشتیم و آقای فرجی که مدیر شبکه یک شد بالاخره این سد ممنوعیت ما را شکست. ما مدت‌ها بخشیده نشدیم فقط به این خاطر که چرا کنار دکان تلویزیون دکان دیگری را راه انداختیم



آیا واقعا این چرخه مالی سالم است؛ یعنی همان پول در گردش که هر دو نفر به آن اشاره کردید دارد در یک سیکل سالم جابه‌جا می‌شود. وقتی خواننده‌ای یک رقم غیر عادی را به عنوان دستمزد طلب می‌کند به این معنی است که واقعا بازگشت برایش تعریف شده یا صرفا دارد پول عجیبی می‌چرخد تا پولشویی شود؟

مولایی: معادله خیلی ساده است؛ در جهان فرضی یک هزینه فراهم‌سازی بستر وجود دارد یک هزینه تولید و یک هزینه اداره. وقتی پلتفرمی با ۱۴ میلیون یوزر داشته باشید که حق اشتراکی نزدیک به ۷۰ هزار تومان هم می‌دهند یعنی ۷۰ میلیارد در ماه ورودی وجود دارد و بعد از آن هزینه‌ها را محاسبه می‌کنید و می‌بینید خروجی غیر نرمال نیست. این درآمد سالی نزدیک به

۶۰۰ میلیارد است و پس آن اتفاق عجیب گردش مالی ناسالم که شما می‌گویید نمی‌افتد.

آن عقبه‌ای که آقای عنقا به درستی اشاره کردند به سریالی به نام «شهرزاد» متصل می‌شود که هادی رضوی و امامی را به عنوان سرمایه‌گذاران آن متهم به پولشویی شدند و محکوم شدند اما شما می‌خواهید بگویید که این چرخه در سلامت کار خودش را می‌کند؛ درست است؟

عنقا: به نظرم با یک نمونه اعلام شده قضایی نباید حکم کلی داد. شاید ما متهمین به پولشویی زیادی در کشور داشته باشیم ولی من جزو افرادی هستم که معتقد نیستم که بشود با ساخت یک فیلم و سریال پولشویی کرد. این جمله من هم خبری است هم

توضیحی برای آن دارم. برای مبلغ هزار میلیارد تومانی اگر ۵۰۰ میلیاردش را بخواهید پاک و سفید کنید باید ۱۵۰۰ میلیارد گردش مالی نشان بدهید که بتوانید ۵۰۰ میلیاردش را سفید کنید. در نمونه‌ای که شما مثال زدید اتفاق به شکل دیگری افتاده است که به نظر پولشویی رسیده. در جاهای دیگر دنیا بعلت گردش بالای مالی شاید رخ دهد ولی اینجا انگیزه‌های متفاوت است. ببینید آدم‌ها از طریق این محصولات برای خودشان یک اعتبار و شأن اجتماعی ایجاد می‌کنند که به واسطه آن اعتبار بتوانند میزان چانه‌زنی‌شان را با بنگاه‌های اقتصادی بالا ببرند برای اینکه اگر قرار است فساد اقتصادی اتفاق بیفتد راحت‌تر باشد. چون اصلا پول جاهای دیگر است و رقم‌ها هم این‌ها نیست. مثلا آقای ایکس یک نماینده ماشین دارد و اگر بخواهد به بانک برود و تقاضای وام بکند کارش خیلی سخت‌تر از کسی